

تفسیر در باره سخنرانی چانکایشک در جشن دو دهه

(۱۱ اکتبر ۱۹۴۴)

یکی از خطوط مشخصه سخنرانی چانکایشک در جشن دو دهه (۱) اینستکه خالی از هر مضمونی است و بهیچ یک از سائلی که خلق را بخود مشغول داشته پاسخ نمیگوید . چانکایشک اظهار میدارد که هنوز سرزمینهای وسیعی در پشت جبهه بزرگ باقی است و بنابر این جای ترس از دشمن نیست . تاکنون از رهبران مستبد گویندگان کمترین نیتی و کمترین صلاحیتی برای اقدام به رفورم‌های سیاسی بمنظور شکست دادن دشمن دیده نشده است . سرزمین یگانه "سرمایه" ایستکه آنان برای مقاومت میتوانند بان متوسل شوند . ولی هر کس میداند که این سرمایه بتنهائی کافی نیست . در واقع اگر سیاست صحیح و کوشش انسانی نباشد سرزمینی که باقی مانده پیوسته در معرض خطر اسپریالیسم ژاپن است . مسلماً چانکایشک این خطر را شدیداً احساس کرده است ، گواه آن اینست که وی در پی بخلق اطمینان میدهد که خطر

متن حاضر تفسیری است که رفیق مانو تسه دون برای خبرگزاری سین هوا نوشته است .

وجود ندارد و حتی اظهار داشته است : " از زمانیکه من ارتش را در بیست سال پیش در آکادمی جوان پو بنیاد نهادم هرگز وضع انقلاب باندازه امروز ثابت نبوده است ". همینکه او مکرراً به " از دست ندادن اعتماد بخود " دعوت میکند نشانه آن است که بسیاری از اشخاص در صفوف گومیندان و بسیاری از شخصیت‌ها در مناطق تحت نظارت این حزب اعتماد را از دست داده‌اند . چانکایشک در پی چاره‌ای برای زنده کردن این اعتماد است . ولی بجای آنکه باین منظور به بررسی سیاست خود ویا کاری که در زمینه سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی انجام داده است پردازد انتقادات را بسوئی میافکند و اشتباهات روی داده را تبرئه میکند . او مدعی است که " ناظران خارجی " از کنه مطلب بیخبراند " و اگر " در خارجه انتقادات فراوانی نسبت به امور نظامی و سیاسی ما مطرح میسازند " از آن جهت است که برای " اکاذیب بدخواهانه دشمن تجاوزکار و خائنان به ملت " اعتبار قائل شده‌اند . عجب است ! خارجیان نظیر روزولت در استنای از باور داشتن دفاعیات زیبای چانکایشک و ستمدانش به اعضای از گومیندان نظیر سون چینگ لین و اعضای متعدد شورای سیاسی ملی و چینیان که از وجدان خویش رو برتافته‌اند پیوسته‌اند . آنان نیز " انتقادات فراوانی نسبت به امور نظامی و سیاسی ما مطرح میسازند " ! چانکایشک که از این انتقادات سخت در خشم است از مدت‌ها پیش در جستجوی استدلالی بود که قاطع باشد و فقط اسسال در جشن دو دهه آنرا یافت : همه این اشخاص برای " اکاذیب بدخواهانه دشمن تجاوزکار و خائنان بملت " اعتبار قائل شده‌اند . و آنگاه چانکایشک در بخشهای طویلی از نطق خود بر این " اکاذیب " میتازد . او میپندارد که باین طریق میتواند همه چینیان و همه خارجیان را بسکوت وادارد .

هر کس که نسبت باسور نظامی و سیاسی او "انتقادات فراوانی مطرح سازد" فقط و فقط برای "اکاذیب بدخواهانه دشمن تجاوزکار و خائنان بملت" اعتبار قائل شده است! بعقیده ما این اتهام چانکایشک بکلی مضحک است. زیرا که دشمن تجاوزکار و خائنان بملت هرگز از استبداد گومیندان، از رخوت او در مقاومت، از فساد و عدم لیاقت او، از مصوبات فاشیستی و فرمانهای نظامی شکست طلبانه دولت او انتقاد نکرده اند بلکه همیشه احسنت گوی آنها بوده اند. «سرنوشت چین»، این کتاب چانکایشک که ناخرسندی همگان را برانگیخت از آفرین مکرر و پرشور اسپریالیستهای ژاپنی برخوردار شد. دشمن تجاوزکار و خائنان بملت هرگز کلمه ای درباره تجدید سازمان دولت ملی و فرماندهی کل آن بر زبان نیاورده اند زیرا که امید آنها در همین است که این دولت و این فرماندهی کل که هر روز خلق را سرکوب میکنند و هر روز شکست میخورند برجای بمانند. آیا این واقعیت نیست که چانکایشک و دارودسته او پیوسته از طرف اسپریالیستهای ژاپنی به تسلیم طلبی ترغیب شده اند؟ آیا این هم واقعیت نیست که از دو شعاریکه اسپریالیستهای ژاپن اعلام داشتند شعار "برانداختن گومیندان" از مدتها پیش متروک شده و حال آنکه شعار "کویدن حزب کمونیست" همچنان برجاست؟ تا امروز هنوز اسپریالیستهای ژاپنی به دولت گومیندان اعلام جنگ نداده اند و میگویند که میان ژاپن و این دولت حالت جنگ وجود ندارد! در منطقه شانگهای - نانکن - نین بوه اسوال شخصیتهای عالی رتبه گومیندان بوسیله دشمن تجاوزکار و خائنان بملت همچنان دقیقاً حفاظت میشود. فرمانده نظامی ژاپن شونروکو هاتا نمایندگان خویش را به فون هوا فرستاد تا بر سر قبر نیاکان چانکایشک نیاز بدهند. همچنین معتمدان چانکایشک محرمانه به شانگهای

و نقاط دیگر فرستادگانی گسیل داشته‌اند و تقریباً لاینقطع با ژاپن تجاوزکار تماس دارند و بمذاکرات نهانی مشغول‌اند. این تماس‌ها و مذاکرات بویژه در هنگامیکه حملات ژاپن تجاوزکار توسعه مییابد رو بافزایش مینهد. آیا اینها واقعیت نیست؟ پس آیا کسانی که نسبت به امور نظامی و سیاسی چانکایشک و دارودسته‌اش "انتقادات فراوانی مطرح میسازند" واقعاً "از کنه مطلب پی‌خبراند" و یا اینکه، برعکس، کاملاً باخبراند؟ بالاخره "کنه مطلب" در کجاست؟ در "اکاذیب بدخواهانه دشمن تجاوزکار و خائنان بملت" و یا در نزد خود چانکایشک و دارودسته‌اش؟

چانکایشک در بخش دیگری از سخنرانی خودش احتمال جنگ داخلی را در چین انکار میکند. ولی میافزاید: "دیگر هیچ کس جرأت نخواهد داشت مثل وان جین وی و اعوانش به جمهوری خیانت ورزد و در کار مقاومت تخریب کند." چانکایشک در جستجوی آن است که بهانه‌ای برای برانگیختن جنگ داخلی بیابد و اینک یافته‌است. هر فرد چینی که حافظه دارد بخاطر سی‌آورد که در سال ۱۹۴۱، در آن هنگامیکه خائنان بکشور فرمان انحلال ارتش چهارم جدید را صادر کردند و خلق چین برای جلوگیری از خطر جنگ داخلی پیا خاست، چانکایشک در یکی از سخنرانیهایش تأیید کرد که دیگر هرگز جنگ "سرکوب کمونیستها" روی نخواهد داد و اگر جنگی باید اتفاق بیفتد جز لشگرکشی کیفری بر ضد شورشیان نخواهد بود. کسانی که «سرنوشت چین» را خوانده‌اند نیز بخاطر می‌آورند که چانکایشک در آنجا مدعی است که در ۱۹۲۷، در دوره حکومت او هان، حزب کمونیست چین "همدست" وان جین وی بوده‌است. در قطعنامه یازدهمین پلنوم

کمیته اجرایی مرکزی گویندگان ، منعقد در ۱۹۴۳ ، برجسیبی سرکب از هشت هیروگلیف و بمعنای "تخریب در مقاوت و بمخاطره افکندن کشور" به حزب کمونیست چین چسبانیده شد . امروز با خواندن آخرین سخنرانی چانکایشک احساس میشود که خطر جنگ داخلی نه فقط وجود دارد بلکه تقویت هم شده است . از این بعد باید خلق چین این فکر راسخ را داشته باشد که ممکن است روزی از روزها چانکایشک فرمان لشگرکشی کیفری بر ضد "شورشیان" ادعائی که وی آنها را به "خیانت به جمهوری" ، "تخریب در مقاوت" و "مثل وان جین وی و اعوانش" متهم خواهد ساخت صادر کند . چانکایشک استاد این بازی است . اگر وی عرضه ندارد که اشخاص مانند پان بین سیون ، سون لیان چن و چن سیائو چیان (۲) را بعنوان شورشی افشا کند و یا بر ضد آنها به لشگرکشی کیفری پردازد ، در عوض در اینکه ارتش چهارم جدید را در چین مرکزی و سپاه مرگ (۳) را که در شان سی عمل میکنند "شورشی" اعلام دارد و بویژه در اینکه بر ضد آنها به لشگرکشی کیفری بیادرت جوید ماهر است . خلق چین بهیچوجه نباید از یاد برد که چانکایشک در عین تأیید اینکه خواهان برانگیختن جنگ داخلی نیست هم اکنون به اعزام سپاهیان بالغ بر ۷۷۵,۰۰۰ نفر دست زده که یگانه مأموریتشان محاصره ارتش هشتم ، ارتش چهارم جدید و واحدهای توده‌ای پارتیزانی در چین جنوبی ویا حمله بر آنهاست .

نطق چانکایشک عاری از هر مضمون مثبتی است ، و بهیچوجه پاسخگوی اشتیاق سوزان خلق چین که میخواهد شاهد تقویت جنبه ضد ژاپنی باشد نیست . این نطق از لحاظ جنبه‌های منفی خود خطراتی دربر دارد . از مخالفت عنودانه چانکایشک با رفورم‌های سیاسی مطلوب

خلق ، از خصومت شدید وی با حزب کمونیست چین و از اشاره‌اش به بهانه‌ای برای برانگیختن جنگ داخلی ضد کمونیستی که وی تدارك میبیند چنین برمیآید که روش چانکایشك روز بروز نابهنجارتر میشود . ولی هیچیک از اغراض وی ممکن نیست برآورده گردد . اگر او تغییر روش ندهد کارش جز این نیست که سنگی را برسدارد تا بروی پای خود بیندازد . ما صمیمانه امیدواریم که وی روش خود را تغییر دهد زیرا که این روش وی را به بن بست میرساند و بس . او که میگوید "آزادی بیشتری به بیان نظریات داده خواهد شد" (۴) نباید اشخاصی را که "انتقادات فراوانی مطرح میسازند" تهدید کند و نباید آنان را با اتهام دروغین اعتماد به "اکاذیب بدخواهانه دشمن تجاوزکار و خائنان بملت" بسکوت وادارد . او که تأکید میکند که "دوران قیمومیت سیاسی کوتاه خواهد شد" نباید مطالبه تجدید سازمان دولت و فرماندهی کل را رد کند . او که اعلام میدارد که "مسئله حزب کمونیست از طریق سیاسی حل خواهد شد" نباید در جستجوی دلیلی برای تبرئه جنگ داخلی که بدست او تدارك میشود باشد .

یادداشتها

- ۱ - دو دهه و بعبارت دیگر ۱۰ اکتبر سالگرد قیام او چان است . قیام مذکور آغاز انقلاب ۱۹۱۱ بود که حکومت سلسله تسین را سرنگون ساخت . - مترجم
- ۲ - پان بین سیون ، سون لیان چن و چن سیائو چیان ژنرال‌های گومیندان بودند که یکی پس از دیگری آشکارا به ژاپن تجاوزکار پیوستند .
- ۳ - سپاه مرگ در شان سی نیروهای مسلح ضد ژاپنی اهالی شان سی بود که از همان آغاز جنگ مقاومت تحت رهبری ونفوذ حزب کمونیست گسترش

یافت . مراجعه شود به « اتحاد تمام نیروهای ضد ژاپنی و مبارزه علیه سرسختیهای ضد کمونیست » ، یادداشت ۳ ، « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۲ .

۴ - از سال ۱۹۴۴ ، مردم در مناطق تحت نظارت گومیندان در همه جا خواستار برافتادن رژیم مستبد گومیندان ، استقرار دموکراسی و تضمین آزادی کلام بودند . گومیندان در آوریل ۱۹۴۴ در برابر مطالبات مبرم خلق برای حفظ ظاهر اعلام داشت که « آزادی بیشتری به بیان نظریات داده خواهد شد » و سپس در ماه مه دوازدهمین پلنوم گومیندان « تضمین آزادی کلام » را در تصمیمات خود آورد . ولی گومیندان هرگز به هیچیک از کوچکترین وعدههای خویش که بدادن آنها مجبور میشد وفا نکرد و در برابر اعتلاء جنبش توده‌ای که خواستار دموکراسی بودند روز بروز بر اقدامات خویش بمنظور خفه کردن افکار خلق افزود .

www.KetabFarsi.com

جنبه متحد در کار فرهنگی

(۳۰ اکتبر ۱۹۴۴)

تمام کار ما در آن جهت است که اسپریالیسم ژاپن را از پای در آوریم . بزودی اسپریالیستهای ژاپنی مانند هیتلر نابود خواهند شد . ولی ما نمیتوانیم آنها را بطور قطع نابود سازیم مگر آنکه بمساعی خود ادامه دهیم . جنگ در کار ما مقام اول دارد ، پس از آن تولید است و پس از آن فرهنگ . ارتش بی فرهنگ ارتشی نادان است و ارتش نادان نمیتواند بر دشمن پیروز گردد .

اکنون فرهنگ در مناطق آزاد شده دارای جنبه مترقی است ولی جنبه عقب مانده هم دارد . اکنون در این مناطق فرهنگ نوین خلق بوجود آمده ولی آثار بسیاری از گذشته فئودالی هنوز برجاست . در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا از يك میلیون و نیم نفر اهالی هنوز بیش از يك میلیون نفر بیسواداند ، دو هزار دعانویس در میان آنها هستند ، و خرافات همچنان در توده های وسیع نفوذ دارد . اینها دشمنانی هستند که در اذهان توده ها ماوی گزیده اند . و نبرد با این دشمنان غالباً از نبرد با اسپریالیسم ژاپن دشوارتر است . ما باید بتوده ها بگوئیم که

متن حاضر سخنرانی رفیق مائو تسه دون در کنفرانس کارکنان فرهنگ و آموزش در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا است .

خودشان بر ضد بیسوادی ، خرافات ، عادات ضد بهداشت پیا خیزند . برای از پیش بردن این مبارزه باید جبهه متحدی وسیع وجود داشته باشد . جبهه مذکور بویژه در سرزمینی مانند منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین میا که کم جمعیت است ، راههای ارتباطش ناچیز است ، سطح فرهنگ نازل است و بعلاوه در شرایط جنگ بسر میبرد باید وسیع باشد . از این جهت ما باید در زمینه آموزش همگانی نه فقط دیستانها و دیبرستانهای عادی در مراکز داشته باشیم بلکه باید در خارج از چهارچوب مذکور بایجاد مدارس روستائی نیز پردازیم که در اطراف و اکناف پراکنده باشند . و همچنین باید دورههای روزنامه خوانی و گروههای مبارزه با بیسوادی ترتیب دهیم . باید در کنار مدارس جدید مدارس روستائی قدیم را نیز پس از نوسازی مورد استفاده قرار دهیم . در زمینه هنر ، ما نه فقط به تئاتر جدید نیازمندیم بلکه به اپرای چینگ (۱) و یان گه (۲) هم احتیاج داریم . نه فقط به اپرای جدید چینگ و به یان گه جدید نیازمندیم بلکه باید دستههای تئاتر قدیم ، دستههای یان گه نوع قدیم را که نود درصد مجموعه دستههای یان گه هستند بتدریج تجدید سازمان کرده و مورد استفاده قرار دهیم . آنچه در بالا گفته شد بطریق اولی در مورد طبابت هم صدق میکند . در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا مرگ و میر مردم و دامها خیلی زیاد است . بسیاری از اشخاص هنوز به دعانویسان اعتقاد دارند . در چنین شرایطی طب جدید بتنهائی کافی نیست . البته طب جدید بهتر از طب قدیم است ، اما اگر پزشکان طب جدید به رنجهای مردم نیندیشند ، اگر اطباء تازهای را برای خدمت بخلق پرورش ندهند ، اگر با پزشکان و دام پزشکان نوع قدیم که در منطقه مرزی بیش از هزار نفراند در نیامیزند ، اگر به

پیشرفت آنها یاری نرسانند بالمآل به دعانویسان خدمت کرده و عملاً در برابر مرگ فراوان مردم و دام‌ها دست روی دست گذاشته‌اند. جبهه متحد متضمن دو اصل است: یکی وحدت و دیگر انتقاد، آموزش و تجدید تربیت. اگر اتخاذ موضع تسلیم‌طلبی در داخل جبهه متحد غلط است، در پیش گرفتن سکتاریسم هم که به کنار زدن اشخاص و تحقیر آنها منجر میشود غلط است. وظیفه ماست که با روشنفکران فرهنگ قدیم، با هنرپیشگان و پزشکان مکتب قدیم که میتوانند مفید باشند متحد شویم، بآنها یاری برسانیم، آنها را قانع گردانیم و تجدید تربیت کنیم. برای تجدید تربیت آنها باید نخست با آنها در آمیخت. اگر ما این وظیفه را بخوبی انجام دهیم آنها از کمک ما استقبال خواهند کرد. فرهنگ ما فرهنگ توده‌ای است. کارکنان فرهنگ باید با اشتیاق فراوان به خلق خدمت کنند. باید به توده‌ها پیوندند نه اینکه از آنها جدا شوند. برای پیوند با توده‌ها باید نیازمندیها و خواسته‌های آنان را مبداء قرار داد. در هر کاری که بدست ما برای توده‌ها انجام میگیرد باید نیازمندیهای آنها را مبداء قرار دهیم نه آرزوهای خود را، اگر چه این آرزوها بسیار پسندیده باشد. بسیار اتفاق میافتد که توده‌ها بطور عینی به این یا آن تحولات نیازمنداند ولی بطور ذهنی بر این نیاز آگاه نیستند، نه اراده و نه آرزوی عملی ساختن آنها را دارند، در این صورت ما باید صبورانه منتظر بمانیم. فقط آنگاه که توده‌ها در اثر فعالیت ما اکثراً بر ضرورت این تحولات آگاهی یافتند، آنگاه که اراده و آرزوی عملی ساختن آنها را پیدا کردند میتوان آنها را عملی ساخت. در غیر این صورت خطر جدا شدن از توده‌ها پیش میآید. هر کاری که شرکت توده‌ها را اقتضا کند، اگر توده‌ها بر ضرورت آن آگاهی نداشته باشند و تمایل به

شرکت داوطلبانه در آن نشان ندهند بصورت چیزی کاملاً صوری در خواهد آمد و در آخر به شکست خواهد انجامید. "عجول به مقصد نمیرسد" (۳). البته این بان معنی نیست که نباید بسرعت عمل کرد بلکه فقط بان معنی است که نباید به پوچیسم دست زد زیرا هر پوچیسمی ناگزیر به شکست میکشد. در مورد هر کاری همینطور است بویژه کار فرهنگی و آموزشی که هدفش تجدید تربیت ایدئولوژیک توده‌ها است. در اینجا باید دو اصل را رهنما قرار دهیم: یکی نیازسندیهای واقعی توده‌ها و نه نیازسندیهایی که زائده تخیلات ماست؛ دیگر خواست توده‌ها که آزادانه ابراز شده باشد، تصمیماتی که خود توده‌ها اتخاذ کرده‌اند نه تصمیماتی که ما بجای آنها اتخاذ کرده‌ایم.

یادداشتها

- ۱ - اپرای چینگ یکی از انواع اپرای قدیم شنسی است. از آنجا که در روزگار قدیم ولایت چینگ در خاک شنسی کنونی قرار داشت اپرای مذکور نام اپرای چینگ یافته است.
 - ۲ - یان گه یکی از انواع رقص توده‌ای چین است همراه با آواز وموزیک.
- مترجم
- ۳ - مراجعه شود به "زی لو" در «سخنان کنفسیوس».

باید کار اقتصادی را بیاموزیم

(۱۰ ژانویه ۱۹۴۵)

قهرمانان کار و کارمندان نمونه !

شما در این کنفرانس گرد آمده و تجربه خویش را ترازبندی کرده‌اید. ما بشما درود میفرستیم و از شما تجلیل میکنیم. شما حائز سه خصالتید و سه نقش بر عهده دارید. نخست نقش سلسله جنبانی. کار شما در اثر مساعی درخشانتان و نوآوری‌های بیسارتنان برای همگان بصورت سرسشق در آمده‌است، شما میزان‌ها را بالا برده و دیگران را برانگیخته‌اید که از شما پیروی کنند. دوم نقش استخوان‌بندی. بسیاری از شما هنوز کادر نیستید، ولی شما هم اکنون استخوان‌بندی توده‌ها، هسته آنها را تشکیل میدهید. در اثر وجود شما آسانتر میتوان کارها را از پیش برد. شما در آینده میتوانید کادر بشوید و عجتاً نیروی ذخیره کادرها هستید. سوم نقش پل. شما پلی هستید که رهبران را با توده وسیع مرتبط میسازد؛ بوسیله شما نظریات توده به رهبری و نظریات رهبری به توده منتقل میشود.

شما محاسن زیادی دارید و خدمات شایسته‌ای انجام داده‌اید.

متن حاضر سخنرانی رفیق مائو تسه دون در کنفرانس قهرمانان کار و کارمندان نمونه در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا است.

ولی پرهیزید از خودپسندی . شما مورد احترام همگانید و این حق شماست . ولی درست همین امر است که به آسانی به خودپسندی میانجامد . اگر شما مغرور شوید ، اگر فروتنی نداشته باشید ، اگر از کوشش باز ایستید ، اگر ب دیگران احترام نگذارید ، اگر کادرها و توده‌ها را محترم ندارید ، دیگر قهرمان کار و کارمند نمونه نخواهید بود . این گونه موارد در گذشته به پیش آمده‌است و من امیدوارم که شما باین راه نخواهید رفت .

کنفرانس حاضر تجربه شما را ترازبندی کرده‌است . این ترازبندی خیلی خوبی است که نه فقط برای این منطقه بلکه برای سایر مناطق آزاد شده نیز معتبر است . ولی من بآن نخواهم پرداخت و فقط می‌خواهم چند کلمه‌ای درباره کار اقتصادی خودمان صحبت کنم .

ما در طی سال‌های اخیر به آموختن کار اقتصادی پرداخته‌ایم و هم اکنون در این زمینه به کاسیابی‌های مهمی نائل آمده‌ایم . اما این هنوز آغاز امر است . ما باید چنان کنیم که منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا و سایر مناطق آزاد شده‌ای که در پشت جبهه دشمن‌اند در عرض دو یا سه سال بتوانند نیازسندی‌های خویش را از حیث غلات و فرآورده‌های صنعتی تماماً و یا در قسمت اعظم برآورده سازند و حتی مازاد داشته باشند . ما باید در کشاورزی ، در صنعت و بازرگانی به کاسیابی‌هایی بازهم مهمتر نائل آئیم . فقط آنگاه میتوان گفت که ما در این زمینه بیشتر یاد گرفته‌ایم و بهتر آموخته‌ایم . اگر در منطقه‌ای شرایط زندگی ارتش و مردم بهبود نیابد ، اگر پایه مادی که برای تعرض متقابل لازم است همچنان ناستوار باشد ، اگر کشاورزی ، صنعت و بازرگانی سال بسال توسعه نپذیرد و راكد بماند و حتی به قهقرا بگراید این امر نشانه آن است

که کادرهای حزب، دولت و ارتش آن منطقه هنوز کار اقتصادی را بخوبی نیاموخته‌اند و بدون شك در آنجا دشواریهای عظیمی پیش خواهد آمد. نکته‌ای که باید توجه شما را بار دیگر بآن جلب کنم اینست که اندیشه‌های ما باید با محیط زندگی کنونی ما انطباق داده شود. این محیط فعلاً روستا است. ظاهراً شکی در این امر نیست. واقعاً چه کسی ممکن است نداند که ما در کجا بسر میبریم؟ معذک این امر بدیهی بر همه روشن نیست. بسیاری از رفقای ما روستا را نمیشناسند و یا لااقل عمیقاً نمیشناسند، اگرچه هر روز در روستا بسر میبرند و حتی میپندارند که آن را در یافته‌اند. آنها این واقعیت را مبدا قرار نمیدهند که محیط ما روستاست که بر پایه اقتصاد انفرادی قرار دارد، روستائی که بوسیله دشمن قطعه قطعه شده و بالنتیجه درگیر جنگ پارتیزانی است. باین جهت آنها مسایل سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی، امور حزب و مسایل مربوط به جنبش‌های کارگران، دهقانان، جوانان و زنان را غالباً بوجهی نامناسب و یا بوجهی که زیاد مناسب نیست، حل و فسخ میکنند. آنها به مسایل روستائی از نقطه نظر شهری مینگرند، بطور ذهنی به طراحی نقشه‌های بیمورد متعددی میپردازند و اجرای آنها را تحمیل میکنند بطوری که غالباً سرشان بسنگ میخورد. البته در سالهای اخیر رفقای ما در اثر جنبش اصلاح سبک کار و نیز در اثر همان ناکامی‌هایی که در کارشان پیش آمد به پیشرفت بسیار نائل گردیده‌اند. ولی ما باید مراقب باشیم که اندیشه‌های خویش را کاملاً با محیط خویش انطباق دهیم. فقط باین طریق است که در هر زمینه کار به نتیجه خواهیم رسید و سریعاً به نتیجه خواهیم رسید. اگر ما واقعاً در پاییم که پایگاههای روستائی که ماوای ماست بر پایه اقتصاد انفرادی

قرار دارد ، بوسیله دشمن از هم جدا شده و بالنتیجه درگیر جنگ پارتیزانی است ، اگر ما این واقعیت را مبدا همه کارهای خویش قرار دهیم نتایجی که حاصل میشود شاید خیلی بطنی و کم نمود بنظر آید ، اما بیائیم و آنها را با نتایجی که ممکن است در اثر مبدا دیگر ، مثلاً در اثر نقطه نظر شهری حاصل شود ، مقایسه کنیم و بواقعیت آنها نظر افکنیم ، در آن صورت خواهیم دید که آنها بهیچ وجه بطنی نیستند بلکه خیلی سریع اند . زیرا که اگر ما نقطه نظر شهری را مبدا قرار دهیم و از واقعیت موجود جدا شویم ، دیگر مسئله نتایج بطنی یا سریع در میان نخواهد بود ، بلکه با شکستهای مداوم سروکار خواهیم داشت و هیچ نتیجه ای بدست نخواهیم آورد .

کامیابیهای عظیمی که جنبش تولید که بدعوت ما بوسیله ارتش و مردم بر پا شده است در شکل کنونی خویش بار آورده این نکته را بوجه درخشانی ثابت میکند .

ما میخواهیم تجاوزکاران ژاپنی را نابود سازیم . ما میخواهیم برای تسخیر شهرها و باز ستاندن اراضی از دست رفته آماده شویم . ولی در این وضع که ما در مناطق روستائی مبتنی بر اقتصاد انفرادی ، جدا از یکدیگر و درگیر در جنگ پارتیزانی بسر میبریم ، چگونه باید باین مقصود نائل آمد ؟ ما نمیتوانیم از گویندگان که کوچکترین گامی بر نمیدارد و حتی از حیث کالاهای مصرفی عادی از قبیل قماش کاملاً وابسته به خارجه است تقلید کنیم . ما بر آنیم که باید بر نیروی خودمان تکیه داشته باشیم . ما امیدواریم که از خارج کمک بگیریم ، ولی نباید وابسته بآن باشیم ؛ ما بر کوشش خودمان ، بر نیروی آفریننده تمام ارتش و قاطبه خلق تکیه داریم . در این صورت چگونه باید بمقصود خویش

نائل آئیم ؟ باین طریق که جنبش برداشته تولید را همزمان در میان ارتش و مردم برانگیزیم .

چون ما در روستا بسر میبریم که نیروی کار و منابع مادی آن پراکنده است ، سیاستی در مورد تولید و تدارکات اتخاذ میکنیم که با این عبارت تعیین میشود : "رهبری واحد و اداره غیرمتمرکز" .

چون ما در روستا بسر میبریم که دهقانانش تولیدکنندگان منفرد و پراکنده هستند و با افزارهای بدوی تولید کار میکنند ، و قسمت اعظم اراضی همچنان در دست مالکان ارضی است و دهقانان از راه بهره‌سالکانه به استثمار فئودالی دچاراند ، ما سیاست تقلیل بهره‌سالکانه و نرخ سود و همچنین سیاست سازمان دادن کمک متقابل در کار را اتخاذ میکنیم تا آنکه علاقه دهقانان را به تولید برانگیزیم و ثمربخشی کار کشاورزی را اعتلا دهیم . عملاً تقلیل بهره‌سالکانه موجب گردیده است که علاقه دهقانان به تولید افزایش یابد و کمک متقابل در کار باعث اعتلاء ثمربخشی کار کشاورزی شده است . اطلاعاتی که من از مناطق مختلف چین شمالی و چین مرکزی دریافت داشته‌ام همه دال بر آن است که دهقانان پس از تقلیل بهره‌سالکانه علاقه بمراتب بیشتری به تولید نشان میدهند و بشیوه گروههای مبادله کار که در اینجا مرسوم است داوطلبانه به تشکیل گروههای کمک متقابل میپردازند و ثمربخشی کار سه نفر در این گروهها معادل ثمربخشی کاری است که سابقاً چهار نفر انجام میدادند .

باین طریق ۹ میلیون نفر میتوانند کار ۱۲ میلیون نفر را انجام دهند . حتی اتفاق می‌افتد که دو نفر همان اندازه کار تولید میکنند که سابقاً سه نفر تولید میکردند . اگر ما بجای توسل به اجبار و دستوردهی که ناشی از شتابزدگی است و به نتیجه‌ای نمیرسد سیاست اقناع صبورانه

و آموزش از طریق ارائه نمونه‌ها را در پیش گیریم میتوانیم در عرض چند سال موفق شویم که اکثریت دهقانان در گروه‌های کمک متقابل بمنظور تولید کشاورزی و پیشه‌وری متشکل گردند . آنگاه که این گروه‌ها متداول شوند نه فقط افزایش معتنا بهی در تولید حاصل خواهد شد و همه گونه نوآوری بظهور خواهد رسید ، بلکه در زمینه سیاسی نیز پیشرفتهائی روی خواهد داد ، سطح فرهنگ بالا خواهد رفت ، شرایط بهداشت بهبود خواهد یافت ، در تجدید تربیت فسادزدگان موفقیت‌هایی بدست خواهد آمد ، در آداب و رسوم اجتماعی تغییراتی بوقوع خواهد پیوست و در اندک مدتی حتی افزارهای تولید نیز تکمیل خواهد شد .

باین طریق جامعه روستائی ما بتدریج بر پایه‌های نوین ساخته خواهد شد . اگر کادریهای ما دقیقاً به بررسی این بخش از کار پردازند و اگر با بیشترین کوشش به روستائیان در گسترش جنبش تولید یاری برسانند روستای ما تا چند سال دیگر بمیزان فراوان غلات و کالاهای مصرفی عادی خواهد داشت و این امر بما امکان خواهد داد که از مجاهدت در راه جنگ پشتیبانی کنیم و برای خشکسالی‌ها آماده باشیم و حتی به گرد آوردن ذخائر سهم آن برای آینده پردازیم .

ما باید نه فقط دهقانان بلکه واحدهای ارتش و دستگاه‌های مختلف را نیز برای تولید سازمان دهیم .

چون ما در روستا بسر می‌بریم و روستا پیوسته بوسیله دشمن آسیب می‌بیند و درگیر جنگی طولانی است ارتش ما و ارگانهای ما باید به کار تولید پردازند . آنها بعلت پراکندگی نبردهای پارتیزانی بر این کار قادر خواهند بود . در منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا نفرات ارتش و کارکنان دستگاه‌ها بنسبت اهالی بسیار زیاداند و از اینجهت

اگر خودشان بتولید نپردازند گرفتار گرسنگی خواهند شد ، و اگر از اهالی بیش از اندازه مطالبه شود طاقت چنین باری را نخواهند داشت و آنها نیز گرسنه خواهند ماند . در اثر همه این علت‌هاست که ما تصمیم گرفته‌ایم جنبش پرداخته تولید را برانگیزیم . برای نمونه منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا را در نظر آوریم ؛ نیاز سالیانه ارتش و ارگان‌های ما به حبوبات (ارزن) بر ۲۶۰,۰۰۰ دن (هر دن معادل ۳۰۰ جین) بالغ می‌گردد که ۱۶۰,۰۰۰ آن از اهالی گرفته می‌شود ، بقیه را خود ارتش و ارگانهای ما تولید میکنند . اگر اینطور عمل نمیشد یا آنها و یا اهالی ضرورتاً دستخوش گرسنگی می‌گردیدند . اما ما در اثر جنبش تولید از گرسنگی در امانیم و ارتش و اهالی واقعاً خیلی خوب تغذیه میشوند .

دستگاه‌های این منطقه مرزی ، جز در مورد غلات ، پوشاک و لوازم خواب ، اکثر نیازمندی‌های خویش را ، و برخی از آنها همه نیازمندی‌های خویش را خودشان برآورده می‌سازند . بسیاری از آنها حتی قسمتی از حبوبات ، پوشاک و لوازم خواب خود را نیز تأمین میکنند .

واحدهای ارتش این منطقه مرزی حتی شایستگی‌های سهمتری هم دارند . بسیاری از آنها خودشان از عهده تمام نیازمندی‌های خویش از حیث غلات ، پوشاک و لوازم خواب و کلیه ضروریات بر می‌آیند . عبارت دیگر صد در صد قائم بوجود خویش‌اند و هیچ چیز از دولت مطالبه نمیکنند . این میزان اول است ، بالاترین میزان است که بتدریج و در طی چند سال بدست آمده‌است .

در جبهه که باید بجنگ پرداخت نمیتوان این میزان را پذیرفت . میتوان میزان دوم و سومی تعیین کرد . طبق میزان دوم باید تولید

واحدهای ارتش جز در مورد غلات ، پوشاك و لوازم خواب که بوسیله دولت تأمین میشود ، سایر نیازمندی‌ها را شامل گردد از قبیل روغن خوراکی (پنج چیان برای هر نفر در روز) ، نمك (پنج چیان برای هر نفر در روز) ، سبزی (يك جین تا يك جین و نیم برای هر نفر در روز) ، گوشت (يك تا دو جین برای هر نفر در ماه) ، مخارج سوخت و لوازم دفتر و مخارج دیگر ، مبلغی که به آموزش و بهداشت همگانی اختصاص داده میشود ، مخارج نگهداری اسلحه ، تدارك دخانیات ، كفش ، جوراب ، دستکش ، حوله ، سواك دندان و غیره ، یعنی قریب ۰۰ در صد کلیه مخارج . این میزان را میتوان بتدریج در عرض دو یا سه سال بدست آورد . در برخی از جاها هم اکنون بدست آمده‌است . این میزان را میتوان در مناطق تحکیم شده پایگاهها پذیرفت .

میزان سوم در مناطق اطراف پایگاههای ما و در مناطق پارتیزانی که نه باین حد بلکه فقط بنسبت ۱۰ تا ۲۰ درصد میتوانند نیازمندی‌های خود را برآورده سازند قابل انطباق است . و همین اندازه که این میزان بدست آید نتیجه خوبی است .

خلاصه آنکه کلیه واحدهای ارتش و کلیه دستگاهها - جز در موارد خاص - در فواصل میان نبردها و در غیر ساعات تمرینات نظامی و کار به تولید خواهند پرداخت . از طرف دیگر آنها علاوه بر اینکه این فواصل را برای شرکت جمعی در تولید مورد استفاده قرار میدهند باید عدهای از رفقا را اختصاصاً به کار تولید بگمارند و بآنها مأموریت دهند که کشتزارها ، باغ‌های سبزیجات ، مراکز دام‌پروری ، کارگاهها ، کارخانه‌های كوچك ، گروه‌های حمل و نقل ، کتوپراتیوها بوجود آورند و یا با دهقانان در کشت حبوبات و سبزی شرکت جویند . در اوضاع

فعلی ، هر دستگاه و هر واحد ارتش باید برای غلبه بر دشواری‌ها "اقتصاد خانگی" خویش را بر پای دارد . خودداری از این عمل که شیوه تنبلانده‌ای است ، روش شرم‌آوری است . ما برای اینکه تولید را به پیش رانیم باید همچنین برای همه کسانی که مستقیماً در آن شرکت می‌جویند بر حسب نوع کار انجام یافته آنها یک سیستم جوایز انفرادی مقرر داریم . بعلاوه رهبران عمده مسئولیتهای مشخص بعهدہ خواهند گرفت و شخصاً بکار خواهند پرداخت ، آنها شیوه‌ای را بکار خواهند برد که عبارتست از پیوند دادن گروه رهبری با توده‌های وسیع ، توأم ساختن دعوت همگانی با رهنمودهای مشخص و ویژه ؛ این وسیله مؤثری است برای پیش بردن کار تولید .

برخی مدعی‌اند که اگر واحدها در تولید شرکت جویند دیگر نمیتوانند نبرد کنند و یا به تمرین پردازند . اگر دستگاه‌ها در تولید شرکت جویند دیگر نمیتوانند کار خاص خویش را انجام دهند . این ادعا غلط است . در طی سال‌های اخیر واحدهای ما در این منطقه سرزی به کار پرداخته تولید پرداخته و نیازسندیهای خود را از حیث خوراک و پوشاک بخوبی برآورده ساخته‌اند و در عین حال با موفقیت بازم بیشتر مشغول تمرینات نظامی و مطالعات سیاسی و کسب معلومات عمومی بوده‌اند و وحدت در درون ارتش و همچنین میان ارتش و خلق بیش از پیش تحکیم شده‌است . در مناطق جبهه در عین حال که سال گذشته جنبش پرداخته تولید بر پا شده کاسیایبهای بزرگی نیز در زمینه عملیات نظامی بدست آمده و در همه جا جنبشی برای تمرینات نظامی آغاز گردیده است . کارکنان دستگاه‌های مختلف در اثر کار تولیدی خویش در شرایط بهتری زندگی میکنند ، خاطر آنها جمع‌تر است و تأثیر

کار آنها بیشتر میشود . این اسر هم در مورد منطقه سرزی و هم در مورد مناطق جبهه صادق است .

باین طریق در درون شرایطی که جنگ پارتیزانی بر روستا تحمیل کرده است واحدهای ارتش و دستگاه‌هایی که جنبش تولید برای تأمین نیازمندی‌های خویش را گسترش میدهند در نبردها ، در تمرینات و در کار نمودار نیرو و تحرک روزافزونی هستند ، انضباط خود و همچنین وحدت درونی خود و وحدت خود با مردم را تحکیم میکنند . این جنبش محصول جنگ پارتیزانی متمادی است که در چین میگذرد . این جنبش مایه افتخار ماست . اگر ما بتوانیم آن را چنانکه باید به پیش بریم دیگر از هیچ دشواری مادی باکی نخواهیم داشت ، هر سال بر قدرت و قوت ما افزوده خواهد شد ، و از هر نبردی تواناتر بیرون خواهیم آمد و مائیم که دشمن را نابود خواهیم ساخت و هرگز بیم آن نخواهد رفت که او ما را نابود سازد .

باین مناسبت باید توجه رفقای جبهه ما را به نکته دیگری معطوف داشت . برخی از مناطقی که بتازگی برقرار شده است از حیث منابع مادی بسیار غنی است و کادرهای آنجا با استفاده از این وضع ، نه صرفه‌جوئی میکنند و نه تولید . این روش بسیار مضر است که کادرهای مذکور يك روز صدمه آن را خواهند دید . ما در همه جا باید از منابع انسانی و مادی خویش بهترین وجه استفاده کنیم ، هرگز نباید فقط به لحظه حاضر بیندیشیم ، و به تبذیر و اسراف تن در دهیم . در هر جا که باشیم باید حساب‌های خود را از همان سال اول کار خود با توجه به سالهای متعدد آینده تنظیم کنیم و جنگ متمادی را که باید ادامه یابد ، تعرض متقابل را که فرا خواهد رسید و همچنین کار تجدید ساختمان پس از طرد

دشمن را در نظر گیریم . تولید را مجدانه توسعه بخشیم و در عین حال از تبذیر و اسراف بپرهیزیم . در گذشته ، برخی از منطقه‌ها از اینکه مال اندیشی نداشتند ، در صرفه‌جوئی منابع انسانی و مادی و در توسعه تولید اهمال ورزیدند صدمه بسیار دیدند . این درس در برابر ماست و باید مورد توجه ما قرار گیرد .

در باره فرآورده‌های صنعتی ، منطقه مرزی شنسی - گان سو - نین سیا تصمیم گرفته است که در عرض دو سال بتواند نیازمندی‌های خویش را از حیث پنبه ، از حیث نخ و پارچه پنبه‌ای ، از حیث آهن ، از حیث کاغذ و همچنین از حیث بسیاری از مواد و فرآورده‌های دیگر کاملاً برآورده سازد . هر چیزی را که تولید نمیکنیم و یا بمقدار اندک تولید میکنیم با وسائل خودمان خواهیم کاشت ، خواهیم ساخت و یا تأمین خواهیم نمود تا آنکه باین طریق از هر گونه وابستگی به خارج برهیم . این وظیفه بوسیله سه بخش همگانی ، خصوصی و کثوپراتیوی انجام خواهد یافت . ما در تمام رشته‌های تولید خود نه فقط کمیت را میطلبیم بلکه طالب کیفیت یعنی استحکام و دیر فرسوده شدن هستیم . دولت منطقه مرزی ، فرماندهی دفاع همگانی ارتش هشتم و بوروی کمیته مرکزی حزب در شمال غربی کاملاً حق دارند که این کارها را جداً در دست گیرند . امیدوارم که همه مناطق جبهه چنین کنند . در بسیاری از جاها کار شروع شده است و من آرزو دارم که موفقیتی در خور کوشش‌ها بدست آید .

ما در منطقه مرزی خویش و در سایر مناطق آزاد شده ، پیش از آنکه بتوانیم در کلیه زمینه‌های اقتصادی کار کنیم باید باز هم دو یا سه سال پاستوختن بپردازیم . آن روز که حیوانات خود را خودمان بکاریم و فرآورده‌های صنعتی خود را خودمان بسازیم و از این راه بتوانیم همه

نیازمندی‌های خویش یا قسمت اعظم آنها را تأمین کنیم و حتی مازاد داشته باشیم روزی است که کار اقتصادی در مناطق روستائی را کاملاً آموخته‌ایم . پس هنگامی که دشمن را از شهرها راندیم خواهیم توانست با وظایف اقتصادی نوین روبرو شویم . بکوشیم که بیاموزیم زیرا که چین در ساختمان خود بما چشم دارد .

www.KetabFarsi.com

تولید در مناطق پارتیزانی نیز ممکن است

(۳۱ ژانویه ۱۹۴۵)

این مسئله که آیا در پایگاههای نسبتاً محکم مناطق آزاد شده در پشت جبهه دشمن ما میتوانیم و باید به جنبشی برای تولید در درون ارتش و درون اهالی دست بزنیم از مدتها پیش حل شده و دیگر مطرح نیست. ولی آیا در مناطق پارتیزانی و در اعماق پشت جبهه دشمن نیز میتوان چنین کرد؟ این مسئله ایست که در ذهن بسیاری از افراد، چون نمونه‌ای نداشته‌اند، حل نشده است.

اما حالا نمونه‌هایی داریم. همانطور که رفیق جان پین کای در مقاله ۲۸ ژانویه در روزنامه «جیه فان ژیبائو» در مورد جنبش تولید در میان پارتیزانهای منطقه سرزی شان سی - چاهار - حه به ذکر کرده در ۱۹۴۴ در تعداد کثیری از مناطق پارتیزانی بمقیاس وسیع به تولید آغاز شد و نتایج درخشان بدست آمده است. نواحی و واحدهائی از ارتش که وی در رپورتاژ خود نام میبرد اینهاست: ناحیه ۶، بخش ۴ از ناحیه ۲، بخش ۸ از ناحیه ۴، واحدهای میوشوی - دین سیان، بانو دین - من چن و یون بیائو در حه به مرکزی، واحدهای نواحی دای سیان

متن حاضر سرمقاله‌ای است که رفیق مائو سه دون برای روزنامه یین ان موسوم به «جیه فان ژیبائو» نوشته است.

و گوه سیان در شان سی . باید در نظر گرفت که شرایط این نواحی مختلف بسیار بد است : " پایگاهها و دژهای ارتش متجاوز و پوشالیان باندازه درختان جنگل زیاد است ، خندقها ، حصارها ، و جادهها مانند رشتههای دام بهم نزدیک است . دشمن از برتری نظامی خویش و تسهیلات ارتباطات استفاده میکند و غالباً ما را مورد حملات غافلگیرانه ویا محاصره و عملیات 'امحا' قرار میدهد ؛ در چنین شرایطی واحدهای پارتیزانی اکثراً مجبورند چندین دفعه در روز تغییر مکان بدهند . " معذک توانستهاند با استفاده از فواصل بین نبردها به تأمین تولید پردازند و اینست نتایجی که بدست آوردهاند : " تدارکات بهتر شده است ؛ هرکس روزانه پنج چیان روغن و نمک و یک جین سبزی و ماهیانه یک جین و نیم گوشت دریافت میدارد . بعلاوه آنها دوباره میتوانند مسواک دندان و گرد دندان و کتابهای درسی ابتدائی که سالها از آنها محروم اند بدست آورند . " بسیار خوب ! آیا بازهم میتوان مدعی شد که تأمین تولید در مناطق پارتیزانی ممکن نیست ؟

بسیاری بر آنند که در جایی که جمعیت انبوه است دیگر زمینی برای کشت نمی ماند . آیا واقعاً چنین است ؟ به منطقه سرزی شان سی - چاهار - حه به نظر افکنید ؛ " نخست مسئله زمین را برحسب سیاست تقدم توسعه کشاورزی حل کردند . آنها در عین حال مجموعاً نه شیوه مختلف بکار بردند ؛ ۱ - خراب کردن حصارها و پر کردن خندقها که دشمن از آنها برای محاصره استفاده کرده است ؛ ۲ - خراب کردن جادههای شومه که دشمن میتواند از آنها استفاده کند ، و کاشتن حاشیه ای که باین طریق در دو طرف جادهها آماده میشود ؛ ۳ - استفاده از قطعات کوچک زمین که ناکاشته مانده است ؛ ۴ - کشت زمین های

نزدیک استحکامات دشمن در شبهای مهتاب ، علی رغم دشمن و تحت حفاظت مسلحانه چریک توده‌ای با کمک پارتیزانها ؛ ۵ - کشت مزارع بر اساس شرکت با دهقانانی که نیروی کار کم دارند ؛ ۶ - کشت زمین‌هایی که نزدیک پایگاهها و دژهای دشمن است در لباس دهقانان و تقریباً بصورت آشکار ؛ ۷ - تبدیل کناره‌های نهرها به مزارع قابل کشت از طریق سد زدن و شن‌برداری ؛ ۸ - کمک به دهقانان برای تبدیل زمین‌های بی آب به مزارع قابل آبیاری ؛ ۹ - کمک به کار مزرعه در دهکده‌هایی که در قلمرو عملیات پارتیزانها قرار دارند .

شاید گفته شود که اگر اسکان کشاورزی هست امکان پیشه‌وری و سایر شکل‌های تولید نیست . آیا واقعاً این طور است ؟ باز هم به منطقه مرزی شان سی - چاهار - حه به نظر افکنید : " فعالیت تولیدی واحدها در اطراف خطوط و خندق‌های محاصره دشمن به کشاورزی محدود نمیشود . در آنجاها پیشه‌وری و حمل و نقل مانند مناطق تحکیم شده توسعه مییابد . بخش ؛ یک کارگه کلاه پشمی ، یک کارگه روغن‌کشی ، و یک آسیاب دایر کرده که در عرض هشت ماه بالغ بر یوان به پول محلی سود داده‌اند . باین طریق بخش مذکور نه فقط دشواریهای خویش را از پیش برداشته بلکه نیازمندیهای اهالی را در منطقه پارتیزانی خود برآورده ساخته است . اینک جنگاوران میتوانند احتیاجات خود را از حیث کشفای و جوراب پشمی کاملاً تأمین کنند . "

نظر باینکه نبرد در مناطق پارتیزانی اینقدر زیاد اتفاق میافتد آیا خطر آن نیست که فعالیت تولیدی واحدها به سیر عملیات صدمه برساند ؟ در عمل چگونه است ؟ باز هم یک بار دیگر به منطقه مرزی شان سی - چاهار - حه به نظر افکنید : " آنها اصل تلفیق کار تولیدی و فعالیت نظامی

را بکار بسته‌اند باین طریق که برای وظیفه تولید و وظیفه نبرد اهمیت مساوی قائلند. "و نمونه بخش ۴ ناحیه ۲ را در نظر آوریم. بخش مذکور از همان آغاز کشت بهاره در عین حال که واحدهای خاصی را برای حمله بر دشمن فرستاد به تعرض سیاسی نیرومندی دست زد. این امر موجب فعالیت نظامی دامنه‌دارتری گردید و قدرت نبرد آزمائی سپاهیان را افزایش داد. این واحد کوچک از فوریه تا آغاز سپتامبر ۷۱ بار نبرد کرد، پایگاههای جو دون شه، شان جوان، یه جوان، فون جیا جای و یای تو را بتصرف درآورد، ۱۶۵ سرباز ژاپنی و پوشالی را کشت و زخمی کرد، ۹۱ سرباز پوشالی را باسارت گرفت، سه مسلسل سبک و همچنین ۱۰۱ تفنگ و طپانچه بغنیمت آورد. " از طرف دیگر " برای آنکه عملیات نظامی با تبلیغات بمنظور جنبش پر دامنه تولیدی هم آهنگ باشد بیدرنگ با شعار زیرین به تعرض سیاسی پرداخته شد: 'هرکس را که می‌خواهد در جنبش بزرگ تولیدی اخلاص کند بکوییم.' در سراز شهرستان دای سیان و گوه سیان، دشمن از اهالی پرسید: 'چرا ارتش هشتم در این اواخر اینقدر سهیب شده است؟' جواب دادند: 'زیرا که شما در جنبش بزرگ تولیدی منطقه مرزی اخلاص میکنید.' سربازان پوشالی بین خود گفتند: 'بهتر است در موقعیکه آنها به جنبش بزرگ تولیدی خود مشغول‌اند از بیرون رفتن خودداری کنیم.' "

آیا در مناطق پارتیزانی، توده‌های خلق نیز ممکن است به جنبش تولیدی مبادرت جویند؟ آیا در جائی که بهره‌مالکانه شاید هنوز تقلیل نیافته و یا باندازه لازم تقلیل نیافته است دهقانان در افزایش تولید ذینفع‌اند؟ باین سؤال نیز منطقه مرزی شان سی - چاهار - حه به

جواب مثبت میدهد : " در اثر آنکه جنبش تولیدی در اطراف خطوط و خندق‌های محاصره دشمن توسعه یافت سپاهیان بعلاوه توانستند به اهالی محلی کمک مستقیم برسانند . از يك طرف حفاظت مسلحانه توده‌هائی را که به تولید میپردازند تأمین میکنند و از طرف دیگر از حیث نیروی کار در همه جا بآنها کمک میدهند . برخی از واحدها قرار گذاشته‌اند که در دوره کارهای بزرگ نیمی از نیروی کار خویش را به توده‌ها اختصاص داده و بآنها برای یاری برسانند . باین طریق شور و شوق توده‌ها برای تولید خیلی بالا رفته ، مناسبات میان ارتش و خلق باز هم هموارتر شده است و بعلاوه توده‌ها اینک باندازه کافی خوراک دارند . بهمین مناسبت توده‌ها بیش از پیش به حزب کمونیست و ارتش هشتم علاقه دارند و از آن پشتیبانی میکنند . "

پس دیگر بهیچوجه شکی نیست که برای ارتش و اهالی در مناطق پارتیزانی پرداختن به جنبش پر دامنه تولیدی امر ممکن و ضروری است . ما میخواهیم که کلیه کادرهای حزب ، دولت و ارتش در مناطق آزاد شده و بویژه در مناطق پارتیزانی باین امر اعتقاد کامل پیدا کنند ؛ اگر آنها این " اسکان " و این " ضرورت " را بخوبی دریابند تولید در همه جا توسعه خواهد یافت . در منطقه مرزی شان سی - چاهار - حه به از همین جا شروع کردند : " در جنبش تولیدی از آنجا که کادرها شیوه تفکر خود را عوض کردند و به امر تولید و به تلفیق کار تولیدی با فعالیت نظامی اهمیت گذاشتند و قهرمانان کار و کارمندان نمونه از میان توده‌های خلق پرورش دادند (۶۶ نفر طبق نخستین ترازبندی) سپاهیان که در اطراف خطوط و خندق‌های محاصره دشمن هستند توانسته‌اند فقط در عرض پنج ماه نقشه تولیدی خود را اجرا کنند

و بعلاوه به ابداعات متعدد عملی پردازند . “

کلید مناطق آزاد شده باید از طریق مساعی مشترک در سال ۱۹۴۵ جنبش تولیدی را در میان ارتش و اهالی باندازه بیشتر توسعه دهند . ما در آغاز زمستان به مقایسه نتایج بدست آمده در مناطق مختلف خواهیم پرداخت .

جنگ فقط زور آزمائی در زمینه نظامی و سیاسی نیست بلکه زور آزمائی اقتصادی نیز هست . ما برای غلبه بر تجاوزکاران ژاپنی باید علاوه بر وظایف دیگر به کار اقتصادی پردازیم و در عرض دو سه سال یاد بگیریم که آنرا خوب انجام دهیم ؛ ما باید در این سال ۱۹۴۵ موفقیت‌های باز هم مهمتری بدست آوریم . اینست آنچه کمیته مرکزی حزب کمونیست چین از کلید کادرها و از همه اهالی مناطق آزاد شده مصرانه انتظار دارد . امیدواریم که این مقصود برآورده شود .